

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۱۰/۱۵

احمد فواد ارسلا

چنگ زدن شکننده پاکستان: چگونه سرکوب، افراطگرایی و سرکوب قومی یک کشور مصنوعی را سرپا نگه می‌دارند



تحلیل ذیل را قبلاً به انگلیسی نشر نموده ام

<https://www.linkedin.com/pulse/pakistans-fragile-grip-how-repression-extremism-ethnic-ahmad-arsala-c918e/?trackingId=8BiiRfX%2BR7yS6Xhz4NP9%2BA%3D%3D>

ترجمه دري در ذیل تقدیم است.

تصمیم اخیر پاکستان برای ممنوعیت جنبش تحفظ پشتون (PTM) بر اساس قوانین ضدتروریسم، انعکاسی از ستراتیژی عمیقاً ریشه‌دار دولت در استفاده از اقدامات اقتدارگرایانه برای سرکوب مخالفان، بخصوص در مناطق اقلیت‌نشین قومی است. این ممنوعیت نمایانگر تاریخ طولانی پاکستان در وسیله قرار دادن موضوعات امنیتی برای حفظ کنترل جیوپلیتیک و داخلی است که همواره با استفاده از افراطگرایی مذهبی، تفرقه قومی، و تصادمات بین‌المللی همراه بوده است. سرکوب PTM بار دیگر یادآور این است که چگونه دولت با تکیه بر استفاده از مباحث امنیت ملی به تحکیم قدرت خود ادامه می‌دهد، در حالی که خواسته‌های مشروع برای عدالت و پاسخگویی را سرکوب می‌کند.

بنیان‌گذاری پاکستان و اتکا به افراطگرایی

پاکستان در سال ۱۹۴۷ بر اساس نظریه معیوب دو ملت به‌طور مصنوعی شکل گرفت، نظریه‌ای که ادعا می‌کرد مسلمانان شبه‌قاره هند به یک سرزمین مستقل نیاز دارند. با این حال، به زودی مشخص شد که این کشور فاقد هویتی

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

منسجم وسیعتر از اسلام است و به همین دلیل در برابر تفرقه‌های قومی داخلی آسیب‌پذیر است. در نتیجه، گروه‌های حاکم به تدریج به افراطگرایی اسلامی به‌عنوان نیرویی وحدت‌بخش روی آوردند و گروه‌های شبه‌نظامی را نه تنها برای سرکوب مخالفان داخلی بلکه برای کسب نفوذ منطقه‌ای، بخصوص در کشمیر و افغانستان، تقویت کردند. افراطگرایی مذهبی به ابزاری دولتی تبدیل شد که توسط اردو و دستگاه‌های استخباراتی پرورش و استفاده می‌شد و هویت پاکستان را به بهای سرکوب اقلیت‌ها و مخالفان تثبیت کرد.

جنگ با ترور: شمشیری دولبه

در حالی که پاکستان خود را در جنگ با ترور به‌عنوان متحد آمریکا معرفی کرد، هم‌زمان از این مناقشات و تصادمات برای کنترل داخلی سوءاستفاده کرد. عملیات‌های ضدتروریستی در مناطق پشتون و بلوچ بهانه‌ای برای اشغال نظامی و اجرای قوانین سرکوبگرانه بود که این مناطق را بیشتر به حاشیه راند PTM. از ویرانه‌های این عملیات‌ها شکل گرفت، زیرا پشتون‌ها قربانیان اصلی خشونت‌های بی‌هدف، ناپدید شدن‌های اجباری، و قتل‌های غیرقانونی بودند. دولت به جای رسیدگی به این مطالبات، همچنان به شیطنت‌سازی از PTM ادامه می‌دهد و آن را تحت پوشش قوانین ضدتروریسم قربانی می‌کند.

سرکوب قومی به‌عنوان سیاست دولتی

سرکوب PTM در راستای نمونه دیرینه پاکستان در سرکوب جنبش‌های قومی است. این نمونه با جدایی پاکستان شرقی در سال ۱۹۷۱ که منجر به تأسیس بنگله دیش شد، آشکار شد. ناتوانی دولت در پذیرش تنوع قومی و برخورد با گروه‌های غیراردو زبان با سوءظن، تا امروز ادامه دارد و بلوچ‌ها و پشتون‌ها بیشترین آسیب را از این محرومیت می‌بینند. ترس از ظهور یک جنبش تجزیه‌طلب دیگر، مشابه بنگلادش، همچنان بر سر تشکیلات اردوی پاکستان سایه افکنده و باعث عکس‌العمل سخت آن‌ها نسبت به فعالیت مسالمت‌آمیز PTM شده است.

سوءاستفاده پاکستان از قوانین ضدتروریسم

استفاده از قوانین ضدتروریسم برای سرکوب PTM نشان‌دهنده جریان وسیع است که در آن پاکستان مخالفت‌ها را با تروریسم برابر می‌داند. سازمان‌های حقوق بشری مدت‌هاست که دولت را به دستگیری خودسرانه فعالان، خبرنگاران و چهره‌های سیاسی به بهانه مبارزه با تروریسم متهم می‌کنند. ممنوعیت اخیر PTM بطور خاص نشان‌دهنده چگونگی سوءاستفاده دولت از چارچوب ضدتروریسم برای نامگذاری فعالیت‌های سیاسی مشروع به‌عنوان تهدیدی امنیتی است. این تاکتیک‌ها نشان‌دهنده عدم تمایل تشکیلات امنیتی به تحمل هرگونه مقاومت و اعتراض علیه اقتدارشان، بخصوص در مناطق ستراتژیک مانند خیبر پختونخوا و بلوچستان است.

عواقب بین‌المللی و استنداردهای دوگانه غرب

سوءاستفاده پاکستان از جنگ با ترور برای هدف قرار دادن اقلیت‌های قومی، استنداردهای دوگانه قدرت‌های غربی را آشکار می‌کند. در حالی که غرب پاکستان را به‌دلیل پناه دادن به گروه‌های افراطی مورد انتقاد قرار داده، سرکوب وحشیانه اقلیت‌ها را تحت همان مباحث امنیتی نادیده گرفته است. ادامه کمک‌های نظامی آمریکا و تحمل بین‌المللی نسبت به سوءاستفاده‌های پاکستان، تشکیلات عسکری و امنیتی پاکستان را جسور کرده و به آن‌ها اجازه داده است که سلطه داخلی خود را حفظ کنند، بدون آنکه اصلاحات معناداری انجام دهند.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

نتیجه‌گیری: بحران مشروعیت

ممنوعیت PTM بحران مشروعیت پاکستان را برجسته می‌کند. با سرکوب جنبش‌های مسالمت‌آمیز که خواستار حقوق اولیه انسانی هستند، دولت تنها احساس بیگانگی و نارضایتی در میان اقلیت‌های قومی را تشدید می‌کند. اتکای بیش‌ازحد پاکستان به افراطگرایی اسلامی، سرکوب قومی و اقدامات اقتدارگرایانه، خطر تکه‌تکه شدن بیشتر کشور را در پی دارد، همان‌طور که در مورد جدایی بنگله دیش رخ داد. مگر آنکه پاکستان اشتراک سیاسی همه اقوام را بپذیرد، تنوع قومی را به رسمیت بشناسد، و تشکیلات عسکری و امنیتی را برای سوءاستفاده‌هایشان پاسخگو کند، این کشور همچنان در چرخه‌ای دائمی از منازعات داخلی و بی‌ثباتی گرفتار خواهد بود.

سرکوب PTM فقط یک مسئله محلی نیست؛ بلکه آینه‌ای از مشکلات سیستماتیک ریشه‌دار در بنیان پاکستان است — کشوری مصنوعی که همچنان به سرکوب و افراطگرایی برای حفظ تسلط شکننده خود تکیه دارد.

آرشیف: مطالب نشرشدهٔ محترم احمد فواد ار سلا